

تاریخچه مریض‌خانه ملی تبریز (۱۳۳۳-۱۳۲۶ ق.)

مهداد فردیار^۱

چکیده

پس از امضای سند مشروطیت موضوعاتی نظیر تأسیس مدارس جدید، انتشار مطبوعات، تأسیس بیمارستان و... مورد توجه مشروطه‌خواهان و عده زیادی از مردم قرار گرفت. با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی بر اساس اصل قانون اساسی و تصویب قانون شهرداری در اولین دوره مجلس شورای ملی مقدمات برخی از خواسته‌های مردم از جمله تأسیس بیمارستان در شهر تبریز نیز، مهیا شد و با شدت گرفتن نبرد بین آزادی‌خواهان و ارتجاعیون در این شهر، نیاز به تأسیس و راه‌اندازی بیمارستان در شهر ضرورت و اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت.

این پژوهش با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری تصاویر قدیمی باقی‌مانده از آن مریض‌خانه، به ارائه و جمع‌آوری اطلاعات بیشتری در خصوص جزئیاتی نظیر چگونگی تأسیس، ساختمان و محل قرارگیری، تشکیلات اداری و نحوه اداره، تأمین هزینه بیمارستان، دوره فعالیت و... می‌پردازد.

مریض‌خانه ملی تبریز (۲۵ تختخوابی) با تلاش‌های انجمن ایالتی آذربایجان و همت خیرین در ذیقعه سال ۱۳۲۶ ق. فعالیت خود را آغاز و به مداوا و نگهداری رایگان مجروحین با توجه به دریافت مقرری ماهیانه می‌پردازد. این روند تا حمله روس‌ها به شهر تبریز در سال ۱۳۳۰ ق. ادامه داشته است، از آن تاریخ با انتصاب مدیر روسی جهت بیمارستان از سوی آن‌ها تا سال ۱۳۳۳ ق. علی‌رغم دریافت بودجه مقرر، از ارائه خدمات رایگان به بیماران اجتناب می‌کند. به همین دلیل با تلاش‌های رییس معارف و

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

نشانی الکترونیکی: Fardyar@Gmail.Com

حفظ‌الصحه ایالتی تبریز بیمارستان منحل و مقدمه تأسیس بیمارستان عمومی جدیدی
به نام احمدیه در این شهر می‌شود.

واژگان کلیدی:

مریض‌خانه، بیمارستان، تبریز، مشروطه

مقدمه

بیمارستان کلمه‌ای است مرکب از بیمار و ستان (ادات مکان) و آن را خانه و عمارتی که سلاطین در بعضی شهرها بسازند و بیماران را آنجا طبیب دیوانی معالجت نماید و آن را بیمارستان و مارستان نیز گویند. عمارت و خانه‌ای که جهت بیماران بنا شده و در آنجا بیماران بی‌بضاعت را پذیرفته و به طور رایگان آنان را مداوا کرده، دوا و غذا می‌دهند و پرستاری می‌کنند (۱).

«مریض‌خانه»، «دارالمرضی» و «دارالشفاء» مترادف بیمارستان هستند. «دارالشفاء» نام مرکبی است و مفهوم داروخانه، مطب، بیمارستان یا مریض‌خانه را می‌رساند. در ابتدای دوره قاجار مراکز درمانی به سبک بیمارستان‌های نوین امروزی در کشور وجود نداشت و فقط برخی دارالشفاهای که مرکب از چند مطب پزشکی بودند، فعالیت داشتند. بی‌شک وجود بیمارستان‌های پیشرفته امروز مرهون وجود مراکز درمانی (دارالشفاهای) اولیه می‌باشد. این مراکز را می‌توان پیونددهنده مطب‌ها و حجره‌های طبابت قدیمی با بیمارستان‌های تخصصی امروزه دانست (۲). در شهر تبریز نیز ساخت مراکز درمانی پیشینه طولانی دارد که مروری کوتاه بر آن‌ها خواهیم داشت.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله ساخت دارالشفای غازانی را به دستور غازان خان در شنب‌غازان^۱ بیان می‌کند (۳). ما از مدت فعالیت این بیمارستان اطلاعی در دست نداریم، اما بنا به گفته تاورنیه جهانگرد فرانسوی در زمان سفر وی به تبریز، اثری از این بیمارستان باقی نمانده بود (۴).

دارالشفای ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله تأسیس شد (۵) که در آن علاوه بر درمان بیماران، فعالیت‌های آموزش پزشکی و تربیت پزشک، چشم‌پزشک، جراح، شکسته‌بند صورت می‌پذیرفت (۳) و در واقع شباهت زیادی به

بیمارستان‌های دانشگاهی [آموزشی] ایران داشته و رایگان بوده است. محله‌هایی نیز به نام کوی معالجان و محله صالحیه به ترتیب برای اقامت پزشکان تمام‌وقت و پزشکان نیمه‌وقت و خانواده آن‌ها تخصیص یافته بود (۶). در زمان سلطنت سلطان یعقوب از پادشاهان سلسله آق قویونلو، در سال ۸۸۸ ق. ساخت کاخ موسوم به هشت بهشت پایان یافت و در داخل آن مسجد و بیمارستان باشکوهی بود که همه روزه از هزار نفر بیمار و بینوا در آن مراقبت می‌کردند و اطعام رایگان در این بیمارستان چسبیده به مسجد حسن پادشاه رواج داشت (۴).

در زمان سفر «ژان شاردن» سیاح معروف فرانسوی به تبریز، بیمارستانی زیر نظر رهبانان فرقه مسیحی کاپوچین در این شهر وجود داشته است (۴) و در این شهر سه بیمارستان وجود دارد که به خوبی از آن‌ها نگهداری می‌شود و همه پاکیزه و تمیزند، در آن‌ها کسی را نمی‌خوابانند، اما به هر کس که آنجا بیاید، دو نوبت غذا می‌دهند. به این بیمارستان آش داکن [آش توکن؟] می‌گویند، یعنی جایی که اطعام می‌کنند (۷). دادن خوراک رایگان در واقع یکی از کارهای اساسی این‌گونه بنگاه‌های عام‌المنفعه محسوب می‌شد (۴) که با معنای اروپایی بیمارستان حتی در سده‌های میانی متفاوت است.^۲

بر اساس گفته اوبین، در حدود سال ۱۸۷۵ م. [۱۲۵۴ ش.]. جامعه میسیونری پرس بیتترین آمریکایی^۳ یک بیمارستان ۱۵ تخت‌خوابی را با یک دواخانه در تبریز ساخت که نخست عمدتاً به جمعیت آرامنه خدمت‌رسانی می‌کرد (۸).

مریض‌خانه‌ای به گفته «پاولوویچ و تریا» نویسنده روسی، برای اولین بار در اوایل دوره مشروطه آذربایجان توسط «سوسیال دمکرات‌های قفقاز و همراهی همکاران تبریزی آن‌ها» (۹) نویسنده از آن به عنوان اولین بیمارستان تبریز یاد

می‌کند، اما توضیحات و اطلاعاتی دیگری در مورد آن ذکر نکرده است، به طوری که ما حتی از نام آن نیز بی‌خبریم و سایر منابع نیز به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. هرچند در منابع تاریخی به نام مریض‌خانه ملی و یا مریض‌خانه تبریز به صورت گذرا اشاره شده است، اما حتی نامی از آن در کتاب‌هایی نظیر «تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر)»، «مقدمه‌ای بر تاریخ طب و طبابت» و «طب و طبابت در آذربایجان» و «بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار» دیده نمی‌شود. متأسفانه همانطور که مشاهده می‌شود، ما فقط از وجود تعداد انگشت‌شماری از مراکز درمانی و بیمارستانی این شهر در طول دوره حیاتش مطلع هستیم.

مریض‌خانه ملی [رایگان] تبریز از روی احتیاج و توسط داوطلبان امداد به قربانیان جنگ تبریز به وجود آمد (۱۰). از اثرات اجتماعی انقلاب مشروطه که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته، شکل‌گیری و رشد جمعیت‌های خیریه با اهداف متعالی انجام امور عام‌المنفعه، کمک به هم‌نوع و دستگیری از مستمندان و فقرا به خصوص در مواقع بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن زمان می‌باشد. در دوره مشروطیت در کلیه محله‌های تبریز، انجمن‌هایی تشکیل شده بود که علاوه بر مسائل سیاسی به امور اجتماعی از جمله انجام امور خیریه و عام‌المنفعه توجه داشتند و از مستمندان محله خود دستگیری می‌نمودند. در دوره استبداد محمدعلی‌شاه، تبریز مدت زیادی در محاصره مستبدین قرار داشت و مردم در برابر آن‌ها مقاومت می‌کردند، این محاصره طولانی، باعث شد که مردم از حیث آذوقه در مضیقه قرار گیرند و همین مسأله از یک طرف موجب بروز امراض ناشی از کمبود مواد غذایی و از طرف دیگر درگیری با نیروهای دولتی و معالجه و پرستاری از مجروحان گردید، لذا در این هنگامه بحرانی، مردم نیکوکار شهر دور

هم جمع شدند و تا به جمع‌آوری اعانه جهت تأسیس خیریه‌ای برای رفاه حال مستمندان و بهبود وضع مجروحان اقدام کنند (۱۱).

علی‌رغم اهمیت موضوع بهداشت و درمان در دوره مشروطه در شهر تبریز و در نتیجه تأسیس مریض‌خانه، اطلاعات پراکنده و کمی در خصوص آن وجود داشت. موضوع این مریض‌خانه تاکنون کم‌تر مورد توجه جدی محققان قرار گرفته است و تنها جزئیات اندک و ارزشمندی در کتاب کم‌حجم «تاریخ جمعیت شیر و خورشید سرخ تبریز» درباره آن مشاهده می‌شود، لذا تلاش می‌شود با جستجو و کنار هم قراردادن جزئیات پراکنده جمع‌آوری شده از کتب، نشریات محلی، تصاویر و اسناد موجود، به تدوین اطلاعات بیشتری در این خصوص بپردازیم.

از آنجا که عکس‌های قدیمی از اسنادی مهمی هستند که داده‌ها و اطلاعات زیادی درباره افراد، ساختمان‌ها، اشیاء، آداب و رسوم و... در آن‌ها نهفته است و می‌توانند راه‌گشای محققان و علاقمندان پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و... باشند، به همین دلیل در این تحقیق از تصاویر یافت‌شده تا حد امکان به خوبی در کنار سایر اسناد جهت تکمیل و تدوین جزئیات مربوط به این بیمارستان استفاده شده است.

۱- برخی از دیدگاه‌ها نسبت به ضرورت مریض‌خانه و تأسیس آن در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار

مطالعه دیدگاه‌های مربوط به موضوع درمان ضرورت و اهمیت تأسیس مریض‌خانه از دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار اهمیت بیشتری یافت، این دیدگاه‌ها کارکردهای و ضرورت‌های تأسیس مریض‌خانه را در جامعه آن روز، بیش از پیش آشکار می‌سازد. برخی از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

- نسخه چاپ سنگی «فوائد مریض‌خانه دولتی» به شماره ۵۰۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مربوط به دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار مطالب قابل توجهی در این خصوص مشاهده می‌شود: «ناصرالدین‌شاه بعد از تاجگذاری به دلیل توجهی که به حال مردم خود داشت، دستور داد مریض‌خانه‌ای با تمام آن ویژگی‌هایی که در مغرب زمین وجود دارد، تأسیس شود و اکنون ساخت این بیمارستان به اتمام رسیده و با تجهیزات کامل در حال مداوای افراد مریض است و نویسنده ناشناس کتاب یکی از اهداف اصلی شاه در توجه و ساخت مریض‌خانه را بحث سلامتی سپاهیان و لشکریان می‌داند، با این حال از ساخت مریض‌خانه با عنوان صالحات و باقیات نام می‌برد، چراکه با سلامت جسمانی انسان در ارتباط بوده و اقدامی است که مورد تأیید شرع، ملت‌ها و دولت‌ها قرار می‌گیرد و از نظر وی مریض‌خانه دولتی دو فایده دارد: «یکی به سرباز^۴ و نوکر و غربا و بیچارگان عاید است و دومی به دولت عاید است» و ضمن بیان منافع آن بیان می‌کند: «با نگاهی به ممالک و بلدین کشور به نظر می‌رسد شایسته است در مناطق: دارالخلافه تهران، دارالسلطنه تبریز، دارالدوله کرمانشاهان، دارالسلطنه اصفهان، دارالعلم شیراز، ابوشهر، مشهد مقدس، کلات، کرمان، سرحد رشت، سرحد عربستان و سرحد ذهاب در هر یک از این مناطق بیمارستانی ساخته شود» (۱۲).

در قسمتی از رساله «یک کلمه» میرزا یوسف‌خان تبریزی (ملقب به مستشارالدوله) آمده است: «پنداشتم هاتف غیبی از سمت مغرب ما بین زمین و آسمان به سوی مملکت اسلام متوجه شده [و] به آواز بلند می‌گفت: ای سالکان سبیل شریعت سید انام! و ای پیشوایان با غیرت اهل اسلام! «این انتم من النصره و السلطنه این انتم من الثروه و المعرفه» چرا این طور غافل و معطل نشسته‌اید و چرا از حالت ترقی سایر ملل اندیشه نمی‌کنید، همسایه شما وحشیان کوهستان را

داخل دایره مدنیت کرده و هنوز شما منکر ترقیات فرنگستان هستید. در کوچک‌ترین بلدهای مجاور شما، مریض‌خانه‌ها و معلم‌خانه‌هایی منتظم برای ذکور و اناث بنا کرده‌اند و هنوز در معظم‌ترین شهر شما یک مریض‌خانه و یک معلم‌خانه نیست کوچه‌های دهات هم‌جوار شما تنظیم و توسیع و تطهیر یافته، ولی در شهرهای بزرگ شما به سبب تنگی و اعوجاج و کثافت و سوراخ‌های بی‌نهایت که در کوچه‌هاست، عبور نامقدور گردیده، در هم‌جواری شما راه آهن می‌سازند و هنوز شما به راه عراده نپرداخته‌اید» (۱۳).

- در کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ آمده است: «... دیدم که اوقات بعضی از ایشان تلخ شد. گفتم: آقا جان! هرچه از من دیده و بشنوید، به لطف درگذرید من غریب هستم، یا این‌که به انصاف جواب بدهید. دیروز من به شهر شما وارد شدم، دیدم در نزدیکی شهر از گرفتاران درد جذام قریه‌ای تشکیل شده است. حالت مسکنت آنان را همه دیده‌اید که از دیدن آن من به خدا پناه می‌برم. معلوم است که اینان اهل وطن و برادران دینی شما هستند. پس شما را لازم بود که اول برای معالجان و پرستاری آنان - که در دوره اول علاجش سهل است - مریض‌خانه بنا نمایید که آن برادران و هم‌وطنان خودتان در آنجا معالجه شده، بدان حالت پریشانی مانند وحوش بیابانی در بن غارها و پایه کوه‌ها زیست نکنند. من درست حساب می‌کنم در این لب جوی که برای خودتان تفرجگاه قرار داده‌اید، اقلاً سه هزار جمعیت هست و روی هم‌رفته هر کدامی از اینان امروز دست کم یک قران خرج دارند که جمع آن سیصد تومان می‌شود. این مبلغ در ظرف شش ماه ایام بهار و تابستان که شمار هر هفته مشغول عیش و نشاط‌اید به شش هفت هزار تومان سر می‌زند که محو و تلف می‌شود، عجب است از این اسراف و بی‌عاری بر خود می‌بالید و...» و در تمامی این مملکت از شهرهای بزرگ گرفته تا قصبات و

قریه‌ها دودکش یک ماشین و فابریکی دیده نمی‌شود که دودی از آن متصاعد گردد و از هیچ طرف بانگ سوت و صفیر حرکت و ورود راه آهن شنیده نمی‌شود، در هیچ شهری به نام دواير دولتی عمارت بلند و با شکوهی نیست، از مکاتب دولتی و مریض‌خانه در هیچ جا نشانی نمی‌توان یافت» (۱۴).

- در پیوست دوم نامه حسین‌قلی نظام‌السلطنه مافی به فرزندش در مورخ چهارشنبه ۲۱ شعبان ۱۳۱۱ ق. آمده است: «شما ماشاالله در آن همسایگی آنقدر ملتفت نبودید که میرزا علی، مریض‌خانه و ایتام [دارالایتام] ساخته است، به من ننوشتید. من اگر دانسته بودم که او چنین دو کار بزرگی کرده است، هرگز با او طرف نمی‌شدم. وقتی که روزنامه دولتی آمد، در طی روزنامه مطلع شدم، از اقدام به شکایت او پشیمانی حاصل نمودم» (۱۵) که نشان‌دهنده اهمیت تأسیس و راه‌اندازی بیمارستان در آن دوره تاریخی است که حتی حاضر بوده به خاطر آن از شکایت خود از مؤسس مریض‌خانه صرف نظر کند. پس از امضای سند مشروط، قوانینی مرتبط به آن موضوع صادر و ابلاغ گردیده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

قانون «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» در بندهای چهاردهم و شانزدهم ماده ۹۷ به ترتیب عناوین «رسیدگی به محاسبات مریض‌خانه‌های ایالتی و همچنین قرارداد با مریض‌خانه‌ای متفرقه در خصوص پذیرفتن مرضای فقرا» و «تعیین سهم بلوکات جهت مخارج مریض‌خانه‌ها و دارالایتام و تشخیص مأخذ این تقسیم» اشاره کرده است (۱۶).

تصویب قانون بلدیة^۵ در ۱۰۸ ماده، یکی از نقاط درخشان مجلس شورای ملی در اولین دوره فعالیت آن است که در مذاکرات روز سه‌شنبه دوم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق. به تصویب نمایندگان مجلس رسید و پس از امضا توسط محمدعلی‌شاه

در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق. به ایالات مختلف ارسال گردید و مواد ۵ و ۷ آن به ترتیب «مراقبت در رفع تکدی و تأسیس دارالمساکین و دارالعجزه و مریض‌خانه‌ها و امثال آن و معاونت در اقدامات حفظ‌الصحه و...» مرتبط با موضوع مریض‌خانه است (۱۷).

آقای نامجوی‌نیک از تصویب نظام‌نامه مریض‌خانه ملی در تاریخ ماه ذی‌القعدة ۱۳۲۵ ق. در دوران وزارت مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله و نیز تهیه و تصویب نظام‌نامه صحیه قشون خبر می‌دهد (۱۸)، هرچند با وجود جستجوهای فراوان، امکان دسترسی به نسخه‌ای از این نظام‌نامه میسر نگردید.

در کتاب مکالمات حاجی مقیم و مسافر در بیان حقیقت معنای مشروطه و مطلقه در سال ۱۳۲۷ ق. آمده است (۱۹): «مشروطه می‌گوید: باید در تمام شهرها مریض‌خانه باز کرد که فقرا و ضعفا برای که [این‌که] تمکن حالی و مالی برای امراض خود ندارند، به مریض‌خانه بروند و غذا و پرستاری مجانی داشته باشند و محتاج نشوند که فقرای مسلمانان در مریض‌خانه خارجه بروند و آن‌ها را اولاً دعوت مذهب مسیح به آن‌ها بکنند، بعد معالجه نمایند و محتاج نشود که زن‌های مسلمانان را در مریض‌خانه خارجه بروند. مستبد می‌گوید: خرج‌تراشی برای دولت نباید کرد. مریض‌خانه لازم نیست، در مریض‌خانه خارجه برود چه می‌شود. هر کس پول طبیب و غذا و دارو نداشته باشد و پرستار ندارد، اجلش رسیده است و باید بمیرد.»

با توجه به جنگ‌های طولانی‌مدت ایران در دوره قاجار، تأسیس مریض‌خانه به لحاظ نظامی از اهمیت زیادی برخوردار شد و با تأسیس دارالفنون و مدارس جدید و تلاش‌های روشنفکران ضرورت وجود مریض‌خانه به صورت نیاز عمومی

مردم و از دیدگاه‌های مختلفی از جمله مذهبی در جامعه مطرح گردید و مطالب فوق روند این موضوع را نشان می‌دهد.

سرانجام این تلاش‌ها پس از تأسیس مجلس شورای ملی منجر به تصویب و ابلاغ قوانین و سرآغازی برای تأسیس، رواج و گسترش بیمارستان‌ها گردید که به عنوان نقطه عطفی در تاریخ بهداشت و درمان کشور محسوب می‌گردد.

۲- تاریخ تأسیس مریض‌خانه تبریز

بنا بر اطلاعات روزنامه «مساوات»، تأسیس مریض‌خانه در تاریخ دوازدهم رمضان سال ۱۳۲۶ ق. به تصویب انجمن مقدس ایالتی و همت شش نفر وطن‌پرست صورت گرفت (۲۰).

صفحه ۴ نشریه انجمن تبریز مورخ دوشنبه ۱۹ شهر ذی‌قعدة سال ۱۳۲۶ ق.، در خصوص جلسه روز شنبه ۱۷ ذیقعدة به مراسم افتتاح مریض‌خانه ملی تبریز با حضور کنسول روس در تاریخ ۱۶ ذیقعدة و علت عدم حضور سایر کنسول‌های مقیم شهر تبریز در مراسم به دلیل اداره مریض‌خانه توسط انجمن ایالتی اشاره می‌کند و تصمیم گرفته می‌شود که مسؤول انتظام مریض‌خانه اداره بلدیه باشد (۲۱).

مرحوم شادروان اسمعیل امیرخیزی، تاریخ افتتاح رسمی مریض‌خانه ملی را روز چهارشنبه ۱۴ ذیقعدة ذکر کرده است (۲۲)، هرچند دلیل این اختلاف جزئی مشخص نیست، اما هر دو منبع، تاریخ تأسیس را ماه ذیقعدة سال ۱۳۲۶ ق. بیان کرده‌اند.

اوج جنگ‌های شهری در تبریز مصادف با دوره‌ای بدون حاکم است و همه کارهای آن با نظر انجمن ایالتی انجام می‌گیرد (۱۷). شاید موارد فوق توجیه دلیل

تأسیس مریض‌خانه تبریز توسط انجمن ایالتی برخلاف قانون بلدیہ که بلدیہ را مسؤول تأسیس مریض‌خانه می‌داند، باشد.

۳- چگونگی تأمین هزینه‌های تأسیس و فعالیت مریض‌خانه

- میرزا حسن مجتهد^{۲۳} گفته بود: «راستی من از انجمن تبریز خوشم می‌آمد، اما اقوال و حرکاتی از ایشان صادر شد که ماها هرگز متحمل نمی‌توانیم شد، مثلاً می‌گویند در رغائب حلوا نپخته از پول آن معلم‌خانه بنا کنند و قربانی نکنند و از پول آن مریض‌خانه سازند و روضه‌خوانی موقوف باشد من ملت را به آن طفل تشبیه کرده‌ام که به دست او یکدانه اشرفی بدهند. طفل نمی‌داند آن اشرفی را چه کند» (۲۳).

- این مریض‌خانه با درخواست انجمن کوی نعلچی‌گران و همت حاج‌رحیم بادکوبه‌چی، حاج‌علی دوافروش، میرآقا حسینی، کربلا حسین‌آقا فشنگچی (آقای تبریزی مدیر روزنامه تبریز)، مشهدی احمد قازانچائی، حاج‌علی‌اصغر معروف به شجاع‌الملک و دیگران هیأتی تشکیل داده و با جمع‌آوری اعانه عمارتی را اجاره کردند و ابتدا قسمت فوقانی آن را به مریض‌خانه و قسمت تحتانی را به مؤسسه خیریه اختصاص دادند و چون روز به روز به تعداد زخمیان افزوده می‌شد، خیریه به محل دیگری در کوی اردبیلی‌ها منتقل شد و تمام عمارت به مریض‌خانه اختصاص یافت (۱۰).

- مخبرالسلطنه هدایت یک بار مبلغ سیصد تومان و بار دیگر مبلغ نهصد تومان از مبالغ پیشکشی افراد به مریض‌خانه تبریز اهدا می‌کند (۲۴).

- انجمن بلدی، ماهیانه مبلغ ۱۸۷ تومان در اختیار مریض‌خانه قرار می‌دهد (۱۷، ۲۰، ۲۵) و علاوه بر آن مبالغ مربوط به هزینه‌های دارو و غذا از صندوق بلدیہ تأمین می‌شود (۲۰، ۲۵).

مدیریت ابتدایی این مریض‌خانه را انجمن ایالتی بر عهده داشت، ولی بعدها به اداره بلدیه منتقل شد. دلیل انتقال مدیریت این مریض‌خانه از انجمن به بلدیه، اعتراض اروپاییان و خارجی‌ان بوده است، زیرا به نظر آن‌ها بیمارستان بایستی تحت نظر بلدیه قرار می‌گرفت تا جنبه عام‌تری پیدا می‌کرد (۱۷). مطالب فوق جزئیاتی در مورد نحوه تأمین هزینه‌های تأسیس مریض‌خانه و میزان بودجه تخصیص یافته جهت تأمین هزینه‌های درمان رایگان مراجعین را آشکار می‌سازد.

۴- ساختمان و محل مریض‌خانه تبریز

کسروی آن را بیمارستان پاکیزه‌ای در یکی از عمارت‌های خوب تبریز (۲۳) با هفت اتاق و بیست و پنج تخت‌خواب و با هرچه که نیاز هست توصیف می‌کند (۲۳). در تصویر ۱ محدوده جغرافیایی محله بیمارستان و تصاویر ۲ تا ۵ جزئیاتی از نمای داخلی و بیرونی ساختمان، این بیمارستان مشاهده می‌شود.

درباره محل جغرافیایی این مریض‌خانه آمده است: «این مریض‌خانه، به ترتیب بیمارستان‌های اروپا در محله ارمنستان تأسیس شده بود (۱۷، ۲۰) و بر اساس اعلانی که در خصوص نمایش فیلم توسط اداره الیزون ایران در ۹ شهریور ۱۲۸۹ (۲۵ شعبان سال ۱۳۲۸ ق.) در تبریز منتشر شده است: درمی‌یابیم که مریض‌خانه رو به روی خانه‌ای متعلق به شخصی به نام وارثان‌یانس در محله ارمنستان بوده که در آن فیلم نمایش داده می‌شده است» (۲۸).

- بیمارستان در کوی ارمنستان بنیاد یافته بود (۲۳، ۲۹).

- مریض‌خانه ملی در کوی تلگراف‌خانه شهر تبریز در محل فعلی (سال ۱۳۴۱

ش.) گمرک امانات پستی واقع شده بود (۱۰).

- مریض‌خانه در خیابان تربیت غربی فعلی کوچه پست‌خانه ساخته شده بود

(۱۱).

و بر اساس مطالب فوق درمی‌یابیم که ساختمان استیجاری مریض‌خانه در محله ارمنستان واقع شده بود.

تبریز با ۱۰۰ هزار جمعیت در دوره مشروطیت به یک محله ارمنی‌نشین به نام مه‌هاد مهین (بارون آواک یا ارمنستان) و محلات با نام‌های خیابان، مارالان، باغمیشه، ششگلان، سرخاب، دوه‌چی، نوبر، چرنداب، لیلاوا [لیل‌آباد]، امیرخیز، ویجویه، قره‌آقاج، چوست‌دوزان، اهراب، هکماوار [حکم‌آباد]، کوچه باغ، شنب‌غازان و راسته کوچه تقسیم می‌شد (۳۰). قسمتی از مرکز تبریز قدیم که از دیرباز محل سکونت آرامنه بوده و تا امروز نیز اکثر ساکنان آن ارمنی هستند، به نام محله ارمنستان معروف است و محله بزرگی را تشکیل می‌دهد که بین محله لیلاوا و چرنداب و اهراب از جنوب، میار میار از شرق و راسته کوچه از شمال واقع شده است (۳۱). تصویر ۱ که بخشی از نقشه کامل شهر تبریز در سال ۱۳۲۶ ق. گویاترین توصیف از محدوده محله ارمنستان و تنها چند ماه قبل از تأسیس آن مریض‌خانه است.

مسجد صمصام‌خان از یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین کانون قیام مردم تبریز علیه استبداد محمدعلی‌شاه در محله ارمنستان یا کوی پستخانه قدیم بود (۳۱). انجمن ایالتی به جهت رفاه حال مردم و دورشدن کانون اقتصادی از معرض تجاوزات مکرر، بعضی مال‌ها را در کوچه‌ها و محله ارمنستان گذاشته و محل داد و ستد، بازارچه گجیل شد که مردم معطل نمانند (۱۷) که شاید مورد یاد شده و نیز واقع‌شدن انجمن ایالتی در آن محله (تصویر ۱) از دلایل انتخاب آن مکان برای تأسیس مریض‌خانه بوده است.

۵- مدیران و کادر مریض‌خانه (تشکیلات مریض‌خانه) تبریز

در خصوص مدیران و کادر این مریض‌خانه، با برخی از اسامی نظیر میرزاحممد حاکم‌باشی (تصویر ۶)، حاج‌رحیم بادکوبه‌چی (تصویر ۷) و دکتر سرکیس (تصویر ۸) مواجه می‌شویم که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، هرچند پیش‌تر نام اعضای هسته مرکزی شش نفره در بخش «چگونگی تأمین هزینه‌های تأسیس و فعالیت مریض‌خانه» اشاره شده است، اما جزئیات و چگونگی همکاری آن‌ها با مریض‌خانه بر ما آشکار نیست، یکی از این افراد حاج‌علی دواچی^۷ (تصویر ۷) از سران و پیشگامان نهضت مشروطه است که با بزرگنمایی قسمتی از تصویر ۲ چهره ایشان (تصویر ۶) شناسایی می‌گردد، وی بعدها توسط عمال صمدخان شجاع‌الدوله در باغ شمال تبریز به دار آویخته شد. اولین نفر از سمت راست تصویر ۲، نوجوانی ایستاده با قطار فشنگ به کمر است که احتمالاً قدیر، فرزند علی مسیو^۸ است.

کتابخانه

در یکی از یادداشت‌ها و مکاتبات انجمن ایالتی آذربایجان به شماره ۳۵۹۵ مورخ ۲۶ ذیقعد ۹ [۱۳۲۹] ق. از آقای حکاک‌باشی به عنوان «مدیر مریض‌خانه ملی» نام‌برده شده و در همان تاریخ نامه‌ای به ریاست اداره جلیله بلدی به امضای سیدالمحققین^۹ به شماره ۳۵۹۳ مبنی بر اعلام عدم وصول مقرری مریض‌خانه از سوی آقای حکاک‌باشی و تسریع در پرداخت بودجه به منظور جلوگیری از تعطیل شدن این مؤسسه خیریه عمومی ارسال شده است (۳۶).

مرحوم حکاک‌باشی (میرزاحممدخان مشیرالصنائع) مدیر امور اداری (داخلی) مریض‌خانه ملی تبریز بود و عامه مردم این مریض‌خانه را به نام ایشان مریض‌خانه حکاک‌باشی می‌نامیدند (تصویر ۶) (۱۰). خرید و تأمین نیازمندی‌های بیمارستان تحت نظارت حاج‌رحیم بادکوبه‌چی بود (تصویر ۷) (۱۰).

در مورد کادر پزشکی، کسروی از پزشکان این مریض‌خانه به عنوان پزشکان نامی یاد می‌کند (۲۳) و قسمت فنی این بیمارستان را دکتر سرکیس عهده‌دار بود (۱۰).

روزنامه مساوات، کادر مریض‌خانه را یک پزشک، دو معاون، چهار پرستار روز، چهار پرستار شب، یک آشپز، یک شاگرد آشپز، یک رختشو و سرایدار و دو نفر پیشخدمت ذکر می‌کند (۱۷). در تصاویر ۲، ۳، ۴ - الف و ۸ تعدادی از افراد با لباس سفید مشاهده می‌شوند که احتمالاً از کادر درمانی آن مریض‌خانه هستند. متأسفانه فقط یک نفر از آن‌ها براساس یادداشت مندرج بر روی یکی از تصاویر متعدد از کارت پستال‌ها مشاهده شده (تصویر ۸)، به عنوان دکتر سرکیس (نفر شماره ۱) معرفی شده است. همچنین با بزرگنمایی و دقت در آن تصویر نام یار محمدخان (کرمانشاهی) از مبارزان و مشروطه‌خواهان فعال در مبارزات مشروطه دیده می‌شود (نفر شماره ۲).

با توجه به ماجرای زخمی‌شدن و اصابت تیر به پای وی در روز ۲۴ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۷ ق. در شهر تبریز (۳۷) تاریخ عکس فوق را می‌توان به آن تاریخ و یا بعد از آن منتسب کرد.

۶- پارچه نوشته‌ها در تصاویر مریض‌خانه تبریز

با بزرگنمایی پارچه نوشته‌های تصویر ۲ (تصاویر ۹ و ۱۰) شعارهای «آبادی، مشروطه، آزادی زنده‌باد» و «نجابت سخاوت» مشاهده می‌شود^{۱۰} که به نمونه‌ای از این شعارها در سخنرانی‌های افراد در «محلّه ارمنستان» در برخی از منابع اشاره شده است که شاید توجیحی بر متن پارچه نوشته‌های نصب‌شده در مریض‌خانه تبریز، اهمیت و رواج این شعارها باشد.

شیخ سلیم در نطقی که در محله آرامنه گفته بود (۳۱): «ما ایرانیان می‌توانیم با عموم ملل از آرامنه و گبر و یهود مملکت صلح و اتحاد بنماییم، چنانکه کرده‌ایم و خواهیم کرد، ولی دیگر امکان ندارد بتوانیم با مستبدین و ظالمین اتحاد نموده مدتی با آنان همراهی کنیم، این است که از صمیم قلب می‌گوییم زنده‌باد مشروطه و مشروطه‌طلبان و نابود باد استبداد و استبدادخواهان.»

در جریان اعزام وکلای آذربایجان به تهران در سال ۱۳۲۵ ق. متعلمین مدرسه‌های پرورش و رشدیه با بیدق‌های بیرق سرخ که منقوش بودند با شعار یاشاسون^{۱۱} مشروطه، یاشاسون انجمن، یاشاسون حریت، به تلگراف‌خانه آمده و به جهت ضیق مکان در پشت بام‌ها با صف و نظام اشعاری را می‌خواندند (۱۷).

لازم به ذکر است در این مریض‌خانه حتی از مجروحان جنگی نیروی متخاصم نیز پرستاری به عمل می‌آمد تا زخمشان بهبودی یافته و مورد مراقبت قرار گرفتند (۱۷). همچنین شماره ۳۰، روزنامه مساوات مورخ پنج‌شنبه ۲۵ صفرالمظفر سال ۱۳۲۷ ق. از انتقال سه نفر زخمی از سربازان اردوی صمدخان و از اسرای جنگ روز جمعه مورخ ۱۲ صفر خبر می‌دهد که با کمال مهربانی آن‌ها را در مریض‌خانه ملی معالجه می‌کنند که شاید مرتبط با شعار «نجابت سخاوت» (تصویر ۹) باشد که نیازمند تحقیقات بیشتر در این خصوص می‌باشد.

۷- دوره فعالیت مریض‌خانه تبریز

مریض‌خانه ملی [رایگان] تبریز از روی احتیاج و توسط داوطلبان امداد به قربانیان جنگ تبریز به وجود آمده و پس از پایان جنگ و رفع محاصر تبریز در اندک زمانی برچیده شد (۱۰). کتاب تاریخ هجده ساله آذربایجان از حمله روس‌ها به خانه‌های خاندان ختاییان و انتقال زخمیان به بیمارستان در یکم ماه محرم

سال ۱۳۳۰ ق. (۳۸) خبر می‌دهد که نشان از این است که مریض‌خانه تبریز حداقل تا محرم سال ۱۳۳۰ ق. به فعالیت خود ادامه داده است. اما بر اساس گزارش منتشر نشده شماره ۳۵۰ مورخ ۸ شهر ذیقعد سال ۱۳۳۴ ق. دکتر اعلم‌الملک (عباس لقمان ادهم) رییس معارف و حفظ‌الصحه ایالتی تبریز، به وزیر معارف و اوقاف وقت، از سرنوشت و آخرین سال فعالیت این مریض‌خانه مطلع می‌شویم.

این مریض‌خانه پس از حمله قشون روس به شهر تبریز به یکی از پزشکان تبعه روس (دکتر واهان) سپرده می‌شود، وی مقرری ماهیانه [۲۰۰ تومانی] را تا سال ۱۳۳۳ ق. به طور منظم دریافت می‌کرده است، اما مریض‌خانه به کلی از حیز انتفاع خارج و صرفاً به محل درآمدی برای طبیب نام‌برده تبدیل شده بود و هیچ مریض مجانی را پذیرش نمی‌کرده است و با تلاش‌های بسیار ایشان [دکتر اعلم‌الملک] اداره آن از اختیار طبیب یادشده خارج و تحت نظارت «اداره حفظ‌الصحه» قرار می‌گیرد (۳۹).

علاوه بر مطالب ذکرشده، دکتر اعلم‌الملک محل بیمارستان (محل ارمنستان) و ساختمان آن را برای شهر پرجمعیت^{۱۲} تبریز مناسب نمی‌داند. بنابراین در همان سال ۱۳۳۳ ق. اقدام به تأسیس و افتتاح مریض‌خانه ۳۲ تخت‌خوابی جدیدی به نام مریض‌خانه احمدیه در شهر تبریز می‌کند.

نتیجه‌گیری

شهر تبریز، به عنوان یکی از شهرهای وامدار اندیشه ترقی‌خواهانه، بیش از شهرهای دیگر، کوشش بیشتری جهت اخذ نهادهای شهری انجام دادند (۲۰). انقلاب مشروطه از نقاط عطف تاریخ کشور ما محسوب می‌گردد و مشروطه‌خواهان

و بسیاری از مردم به تأسیس و گسترش انجمن‌ها، مدارس به سبک جدید، روزنامه‌ها و سایر اقدامات خیرخواهانه مبادرت نمودند، به طوری که حتی بسیاری از دانش‌آموزان مدارس و نوجوانان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کردند (نظیر نوجوانی ایستاده با قطار فشنگ به کمر در تصویر ۲). در این دوره با توجه به محاصره شهر تبریز توسط نیروهای دولتی، کمبود مواد غذایی و ضرورت مداوای مجروحین نبردها نیاز به تأسیس بیمارستان به صورت جدی در تاریخ دوازدهم رمضان سال ۱۳۲۶ ق. به تصویب انجمن مقدس ایالتی رسید و در کم‌تر از سه ماه (ذیقعه) به کمک انجمن ایالتی و عده‌ای از خیرین، این بیمارستان ۲۵ تخت‌خوابی افتتاح و مورد استفاده نیازمندان قرار گرفت، در بدو تأسیس یک طبقه از آن در اختیار انجمن خیریه بود، اما با افزایش تعداد زخمیان و پاسخگویی به نیازهای یک شهر در حال جنگ، ساختمان به صورت کامل در اختیار مریض‌خانه قرار گرفت و حتی در برخی از مقاطع زمانی با مشکل تأخیر در دریافت بودجه مواجه بوده و تا آستانه انحلال پیش رفته است.

در سال ۱۳۳۰ ق. با حمله روس‌ها به شهر تبریز این بیمارستان در اختیار یکی از پزشکان روسی قرار می‌گیرد و علی‌رغم دریافت بودجه، از ارائه خدمات رایگان به بیماران امتناع می‌کرده است. بنابراین در ۱۳۳۳ ق. با توجه عدم کارایی این بیمارستان علی‌رغم دریافت بودجه با تلاش‌های دکتر اعلم‌الملک منحل می‌گردد و بیمارستان ۳۲ تخت‌خوابی عمومی دیگری به نام احمدیه در این شهر تأسیس می‌شود و بدین‌گونه داستان حیات و فعالیت مریض‌خانه تبریز که در دوره مشروطه و به اقتضای نیاز زمانه تأسیس شده بود، در این سال به پایان می‌رسد.



تصویر ۱: محدوده محله ارمنستان تبریز بنا بر خریطه شهر تبریز در حال انقلاب (رمضان ۱۳۲۶ ق.) (۲۶)



تصویر ۲: مریض خانه تبریز



تصویر ۳: نمایی دیگر از مریض‌خانه تبریز (۲۷)



تصویر ۴: افتتاح مریض‌خانه تبریز (از مجموعه تصاویر جناب آقای ابراهیم پورحسین خونیق^{۱۳})



تصویر ۵: تصویر تابلوی دوزبانه مریض‌خانه تبریز (بزرگنمایی قسمتی از تصویر ۲)



تصویر ۶- الف: میرزا محمود حکاک‌باشی (مشیرالصنایع) مدیر مریض‌خانه ملی تبریز ایستاده در وسط
تصویر ۶- ب: از راست: میرزا محمود حکاک‌باشی، سیدحسن شریف‌زاده، سیدحسن تقی‌زاده و
محمدعلی تربیت (۳۲)



تصویر ۷: اولین نفر از سمت راست حاج علی دواچی (۳۳) و حاج رحیم بادکوبه‌چی (۳۴)



تصویر ۸: نمای داخلی یکی از اتاق‌های مریض‌خانه تبریز (۳۵)



تصویر ۹: پارچه نوشته‌ها نصب‌شده در ساختمان مریض‌خانه تبریز تصویر ۲ با شعار «آزادی، مشروطه، آزادی، زنده‌باد»



تصویر ۱۰: بزرگنمایی قسمتی از تصویر شماره ۲، دومین پارچه نوشته نصب‌شده در ساختمان مریض‌خانه تبریز با شعار «نجات سخاوت»

پی‌نوشت‌ها

۱. نام محله‌ای در شهر تبریز.
۲. فلور در توصیف بیمارستان اصفهان در نزدیک قیصریه در دوره صفوی، اشاره می‌کند، به دلیل آنکه این بیمارستان‌ها بیشتر در خدمت زوار و مسافرانی که به زیارتگاه و یا مجتمع مسجد - مدرسه می‌آمدند، بوده و نه لزوماً ساکنین شهری، لذا به دشواری می‌توان عملکرد آن‌ها را مانند مفهوم بیمارستان در معنای اروپایی آن در سده‌های میانی دانست. ر.ک: فلور، ویلم. بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار، ترجمه: ایرج نبی پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر، (۱۳۹۳ش)، ص ۵.

3. APMS: American Presbyterian Missionary Society

۴. ژنرال گاردان فرانسوی که بعد از دور اول جنگ‌های ایران و روس در رأس هیأتی نظامی (به تاریخ ۱۲۲۲ ق.) جهت اصلاح وضعیت نظامی ایران از سوی ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه به ایران آمده بود، در مورد وضع بد سپاه ایران می‌نویسد: ... مریض‌خانه به هیچ وجه در ایران نیست، در آبادی‌های خارج شهر فقط بعضی از مردم به عنوان دلاکی این حرفه را از پدر ارث می‌برند و به گرفتن خون و سایر اعمال جراحی می‌پردازند. ر.ک: گاردان، کنت الفرد دو. مأموریت ژنرال گاردان در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات گزارش، (۱۳۶۲ ش)، صص ۱۳۸-۱۳۴ که علاوه بر اهمیت موضوع بهداشت و درمان، نشان‌دهنده اهمیت وجود مریض‌خانه از لحاظ نظامی است.

۵. ر.ک: قانون بلدی، مصوب ۲۰ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ ق، پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی.

۶. از علمای شهر تبریز در دوره قاجار.

۷. حاج‌علی دواچی یکی از سران و پیشگامان نهضت مشروطه در آذربایجان بود که چنانچه از نامش پیداست، شغل دوافروشی داشت و علاوه بر تشویق مجاهدین، در نبردها نیز شرکت می‌کرد و تلاش زیادی برای رونق مدرسه سعادت تبریز داشت و سرانجام وی در سال ۱۳۳۰ ق. توسط روس‌ها در تبریز به دار آویخته شد. پس از مرگ وی دختر هشت ساله و پسر ده ساله‌اش که چندی قبل مادرشان را نیز از دست داده بودند و مستبدین خانه‌شان را با دینامیت ویران کرده بودند، آواره شدند. همچنین سالدات‌های روس مدرسه سعادت تبریز را تخریب و تصرف کردند. ر.ک: سرداری‌نیا، صمد. مشاهیر آذربایجان، ج ۱، تبریز: انتشارات ذوقی، (۱۳۷۷ ش)، صص ۹۳-۱۰۰.

۸. کربلایی‌علی معروف به علی‌مسیو از قدمای آزادیخواهان و رؤسای مشروطه خواهان بود که سه پسرش در راه انقلاب شهید شدند و خانه‌اش بارها غارت شد و در سال ۱۳۲۸ ق. مسموم شد. ر.ک: سرداری‌نیا،

- صمد. مشاهیر آذربایجان، ج ۲، تبریز: انتشارات شایسته، (۱۳۷۹ ش)، صص ۶۰-۵۴. همچنین حسن و قدیر فرزند ۱۸ ساله و ۱۶ ساله علی‌مسیو در سال ۱۳۳۰ ق. به دار آویخته شدند.
۹. رییس انجمن ایالتی آذربایجان که پس از انتخابات مجلس دوم و اعزام وکلا به دلیل اختلاف با حاکم تبریز درخواست استعفا می‌کند و پس از قبول استعفا توسط اعضای انجمن، حاج‌امین‌التجار به ریاست انجمن می‌رسد. رک: عزیزی، محمد. انجمن ایالتی آذربایجان در دوره مشروطیت، تبریز: اختر و هاشمی سودمند، (۱۳۸۵ ش)، ص ۲۴۰. همچنین با عزل امیر حشمت از ریاست نظمیه [آذربایجان] و انتخاب مکرم‌السلطان بر اثر نفوذ مخبرالسلطنه، حاج‌سیدالمحققین و تعدادی از اعضای سابق انجمن دستگیر و شبانه تبعید می‌شوند، تبعید آن‌ها باعث پیدایش تنش‌های شدید در شهر و نهایتاً منجر به استعفای مخبرالسلطنه از حاکمیت آذربایجان می‌شود و افرادی که تبعید شده بودند، در مصدر امور قرار می‌گیرند. همان، صص ۲۴۳-۲۴۲.
۱۰. با تشکر از دوست ارجمند جناب آقای مهندس علی یوسف‌لویی که فایل دیجیتال تصویر ۲ را در اختیار بنده قرار دادند و با تیزبینی خود توجه‌ام را به پارچه‌نوشته‌های تصویر جلب کردند.
۱۱. یاشاسون واژه‌ای ترکی به معنای زنده‌باد.
۱۲. یکی از منابع جمعیت شهر تبریز در سال ۱۹۱۳ م. [۱۲۹۲ ش.] را ۳۰۰ هزار نفر ذکر کرده است. رک: فلور، ویلم. بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار، ترجمه: ایرج نبی پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر، (۱۳۹۳ ش)، ص ۱۰۵.
۱۳. با تشکر فراوان از جناب آقای ابراهیم پورحسین خونیق که با کمال گشاده‌دستی و مهربانی فایل تصاویر منتشرنشده و منتشرشده تاریخی بسیاری را جهت تکمیل تحقیقات در اختیار بنده قرار دادند.

فهرست منابع

- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. وب‌سایت واژه‌یاب، بیمارستان، (۱۳۹۵ ش).
- لاله، هاید. وافر، راحله. تاریخچه تحول طب سنتی به طب نوین در دوره قاجار. فصلنامه علوم انسانی/دانشگاه الزهراء (س). (۱۳۸۵ ش)، سال شانزدهم، شماره شصتم، صص ۶۰، ۱۴۸.
- تاج‌بخش، حسن. تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۷۹ ش)، صص ۱۳۴-۱۳۳، ۱۴۰.

۴. طاهری، ابوالقاسم. *جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان*. تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، (۱۳۴۷ ش.)، صص ۸۵، ۹۸.
۵. واسطی، نیر. *تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان*. تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، (۱۳۸۲ ش.)، ص ۱۳۸.
۶. کافیه، ولی. ربع رشیدی؛ بزرگ‌ترین مجتمع علمی دانشگاهی ایران (قرن هشتم هجری / سیزدهم میلادی). *فصلنامه تاریخ پزشکی*. (۱۳۸۸ ش.)، سال اول، شماره اول، صص ۱۴۵-۱۳۱.
۷. شاردن، ژان. *سفرنامه شاردن (متن کامل)*. پنج جلدی، جلد دوم، ترجمه اقبال یغمایی. تهران: انتشارات توس، (۱۳۷۴ ش.)، ص ۴۷۸.
۸. فلور، ویلم. *بیمارستان‌های ایران در زمان صفویه و قاجار*. ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی بوشهر، (۱۳۹۳ ش.)، صص ۵، ۱۰۵-۱۰۴.
۹. پاولوویچ، میخائیل. *تربیه، ایرانسکی. انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن*. تهران: [بی‌نا]، (۱۳۳۰ ش.)، ص ۱۳۱.
۱۰. مجتهدی، علی‌اصغر. *تاریخ جمعیت شیر و خورشید سرخ تبریز*. تبریز: بی‌نا، (۱۳۴۱ ش.)، صص ۶-۵.
۱۱. درکتانیان، غلامرضا. *دارالعجزه و دارالتربیه تبریز (پرورشگاه و تیمارستان تبریز - مؤسسه خیریه تبریز)*. پیام بهارستان. (۱۳۸۵ ش.)، سال هفتم، شماره شصت و دوم، صص ۷۱-۶۸.
۱۲. صفری، رضا. *معرفی نسخه خطی «فوائد مریض‌خانه دولتی»*. پایگاه اینترنتی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تاریخ ثبت ۱۳۹۲/۱۱/۱۵، تاریخ مشاهده ۱۳۹۵/۸/۱۵، قابل دسترسی در آدرس: <http://www.ical.ir/>.
۱۳. تبریزی، میرزایوسف‌خان (مستشارالدوله). *رساله موسوم به: یک کلمه*. تهران: انتشارات بال، (۱۳۸۶ ش.)، صص ۲۱-۲۲.
۱۴. مراغه‌ای، زین‌العابدین. *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*. تحقیق محمدعلی سپانلو. سه جلدی، جلد اول، تهران: آگاه، (۱۳۸۵ ش.)، صص ۱۶۵، ۲۱۴.

۱۵. نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی. *خاطرات و اسناد حسین‌قلی نظام‌السلطنه مافی*. به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه و حمید رام‌پیشه. سه جلدی، جلد دوم، تهران: نشر تاریخ، (۱۳۶۲ ش)، ص ۴۹۲.
۱۶. قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی. مصوب ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ ق، پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی. تاریخ مشاهده ۱۳۹۵/۸/۱۵، قابل دسترسی در: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/90097>.
۱۷. عزیزی، محمد. *انجمن‌ایالتی آذربایجان در دوره مشروطیت*. تبریز: اختر و هاشمی سودمند، (۱۳۸۵ ش)، صص ۹۵، ۱۷۵، ۱۸۵، ۲۱۷، ۲۲۱.
۱۸. نامجوی نیک، خسرو. *تاریخچه طب نظامی از دوران ایران باستان تا پایان هشت سال دفاع مقدس*. تهران: انتشارات ایران سبز، (۱۳۸۹ ش)، ص ۹۰.
۱۹. اصفهانی [نجفی اصفهانی]، نورالله. *مکالمات حاجی مقیم و مسافر در بیان حقیقت معنای مشروطه و مطلقه*. بی‌جا: بی‌نا، (۱۳۲۷ ق)، صص ۷۸-۷۹.
۲۰. فلاح توتکار، حجت. بیطرفان، محمد. شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیة تبریز در دوره اول مجلس شورای ملی. *گنجینه اسناد*. (۱۳۹۱ ش)، سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هفتم، صص ۵۳-۵۵.
۲۱. فلاح توتکار، حجت. بیطرفان، محمد. روزنامه انجمن تبریز. دو جلدی، جلد اول، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی، (۱۳۷۶ ش)، ص ۹۱۲.
۲۲. امیرخیزی، اسماعیل. *قیام آذربایجان و ستارخان*. تهران: انتشارات نگاه، (۱۳۷۹ ش)، صص ۲۲۶-۲۲۵.
۲۳. کسروی، احمد. *تاریخ مشروطه ایران*. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، (۱۳۸۳ ش)، صص ۸۳۶، ۷۳۵، ۳۶۰.
۲۴. هدایت، مهدیقلی. *خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من*. ویراست دوم، تهران: زوار، (۱۳۸۸ ش)، صص ۳۰۳، ۱۹۵.
۲۵. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، روزنامه مساوات، شماره ۳۰، مورخ پنجشنبه ۲۵ صفرالمظفر، (سال ۱۳۲۷ ق)، ص ۷.
۲۶. صفامنش، کامران. شرح و تفسیر نقشه خریطه شهر تبریز در حال انقلاب به تاریخ رمضان ۱۳۲۶ ق. سپتامبر ۱۹۰۸ م. / ثر. (۱۳۷۹ ش)، سال یازدهم، شماره سی و یک و سی و دوم، ص ۱۷۷.

۲۷. پورحسین خونیق، ابراهیم. مشروطه به بیان تصویر. تبریز: نشر اختر، (۱۳۹۴ ش)، ص ۱۲۳.
۲۸. مهرابی، مسعود. صد سال اعلان و پوستر فیلم در ایران. تهران: چاپ و نشر نظر، (۱۳۹۰ ش)، ص ۲۶.
۲۹. جورابچی، محمدتقی. حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد (وقایع تبریز و رشت، ۱۳۲۴-۳۰ ق). به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران، (۱۳۶۳ ش)، ص ۳۵.
۳۰. دین‌پرست، ولی. فعالیت محلات تبریز در انقلاب مشروطیت. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی. (۱۳۹۱ ش)، سال اول، شماره دوم، صص ۴۳-۶۵.
۳۱. خاماچی، بهروز. محلات قدیمی و تاریخی شهر تبریز در شهرداری منطقه ۳. تبریز: روابط عمومی شهرداری منطقه ۳ تبریز، (۱۳۸۱ ش)، صص ۴۸، ۷۰، ۷۵.
۳۲. تقی‌زاده، حسن. زندگی طوفانی (خاطرات سیدحسن تقی‌زاده). به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، (۱۳۷۲ ش)، ص ۹۴۴.
۳۳. پدرام، محمدحسن. بانیان و حامیان مرکز غیبی تبریز. تبریز: انتشارات آیدین و یاتار، (۱۳۹۴ ش)، ص ۲۶۷.
۳۴. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تصویر رحیم بادکوبه‌چی عکس‌های تاریخی از مجموعه عکس‌های اسمعیل امیرخیزی تبریزی. شماره بازیابی مجموعه: ۹۸۶۹، (بی‌تا).
۳۵. موزه دانشگاه علوم پزشکی تبریز. تصویر کارت پستال مریض‌خانه تبریز. پایگاه اینترنتی موزه دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تاریخ مشاهده ۱۳۹۵/۸/۱۵، قابل دسترسی در آدرس:
<http://museum.tbzmed.ac.ir/Picture/201022010516.jpg>.
۳۶. یوسفی‌نیا، راضیه. یادداشت‌ها و مکاتبات انجمن ایالتی آذربایجان در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ ق. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۴ ش)، صص ۸۴۱-۸۴۰.
۳۷. جلالی، نادره. یار محمدخان کرمانشاهی. در «دبیر ادب» یادنامه دبیر سیاقی. به کوشش کمال حاج سیدجواد. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۷۶ ش)، صص ۴۸-۳۴.
۳۸. کسروی، احمد. تاریخ هیجده ساله آذربایجان. چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، (۱۳۸۴ ش)، ص ۲۷۲.
۳۹. سازمان اسناد و کتابخانه ملی. عدم پرداخت بودجه به بیمارستان نظامی احمدیه و تقاضای رسیدگی به/ین/ امر. سند به شماره بازیابی، ۱۳/۱/۱۸۶۲۴، (۱۲۹۸ ش).

یادداشت شناسه مؤلف

مهرداد فردیار: دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

نشانی الکترونیکی: Fardyar@Gmail.Com

The history of Tabriz public hospital (Marizkhaneh) (1326-1333 AH)*Mehrdad Fardyar***Abstract**

After signing the Constitutional Document of the qajar era in Iran, subjects such as establishing of modern schools and hospitals, the press publishing were taken into consideration by the constitutionalists and many people. With forming of the Association of State and Provincial accordance with the constitution and approving of municipal constitution in the first round of the National Consultative Assembly, preparations of some people's demands like the founding of the hospital (Marizkhaneh) in the city of Tabriz was ready, and with intensification of battle between liberals and reactionaries in the city, the need to establish and operate a hospital in the city became great more importance.

This research with conducting library studies and collecting of remained old images of that hospital, present and gather more information about the details such as the establishment, construction and placement, administration, and manner of management, funding for hospitals and period of activity and so forth.

National Hospital Tabriz (25 beds) with the efforts of the State Council of Azerbaijan and benefactors in Zayqadh year 1326 AH started its activity with free treatment and keeping of injured based on receiving monthly allowance, this trend continued until attack of Russian into the Tabriz city in 1330 AH. Since then, after the appointment of a Russian director by them in spite of money receiving, they avoid giving free treatment to the patients in 1333 AH and so it was dissolved with the efforts of Head of Education and Health State of Tabriz and it was an introduction for founding of new public hospital (Marizkhaneh) with name of Ahmadiyah.

Keywords:

Marizkhaneh, Hospital, Tabriz, Persian Constitutional Revolution